

رویارویی علمی و حقوقی با منع تحصیل دختران در افغانستان در راستای پشتیبانی از حقوق بانوان افغان

نویسندگان؛

۱. انصاریان، مجتبی، دکتری حقوق بین الملل، گروه علمی حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. رضا خداپنده لویی دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پونای هند (مدرن لاو کالج)

چکیده

تصمیم طالبان بر منع تحصیل دختران و زنان در افغانستان درحالی است که جهان هر روز در پی محترم شدن زنان و جلوگیری از پایمال شدن حقوق آنان توسط دیگران ازجمله مقام های دولتی، کارفرمایان، مردان و گروه های مخالف حقوق زنان است.

از زنان و دختران باید به شکل های مختلف حمایت گردد به ویژه در قالب وضع قوانین و مقررات و نشر آن به عنوان الگویی برای سایر جوامع. رعایت حقوق بشر در مورد زنان و دختران و مشارکت ایشان در جامعه به عنوان تربیت کنندگان نسل آینده که نیمی از نیروی انسانی جهان و یکی از محورهای مهم توسعه پایدار هستند در جوامع کمتر توسعه یافته به خصوص در افغانستان برای آینده ای بهتر ضروری است.

بی شک نبود برنامه جدی و واقعی برای تحقق کامل و اساسی حقوق زنان در افغانستان باعث افزایش افراط گرایی در این کشور و منطقه خاور میانه و صدور آن به سایر نقاط جهان و سرکوب آزادی بیان خواهد شد. نگارندگان در این پژوهش به دنبال این پرسش هستند که با چه سازوکارهایی می توان از این حقوق به ویژه در زمینه تحصیل دختران و زنان در افغانستان حمایت نمود.

دستآورد مقاله این است که مبارزه با افراط گرایی و مهار تروریسم مهم ترین و اساسی ترین برنامه در راستای حقوق زنان و به ویژه حق آموزش آنان است. رویارویی با تروریسم از دو بعد مهم و در راستای هم برخوردار است. یک گام به صورت نظامی و حذف تروریست ها در صحنه جنگی است و گام دیگر که باید همزمان انجام شود توجه جدی به زیرساخت های آموزشی و فرهنگی با ایجاد مدارس، فرهنگسراها و نوسازی و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی و حفاظت از محیط زیست است تا راه پیوستن به افراط گرایی و خشونت بسته شود.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حق آموزش، تروریسم، افراط گرایی، افغانستان

مقدمه

در جهانی که برابری و آزادی و گفتمان حقوق بشر تبدیل به فرهنگ و گفتمان غالب شده است شنیدن خبر منع تحصیل دختران و زنان از سوی طالبان، جهان را از آن جایی که امروزه تحصیل زنان و دختران از بدیهیات دنیای مدرن است در بهت و حیرت فرو برد. با موضع گیری دولت‌ها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی و مقام‌های سیاسی در جهت محکوم کردن این اقدام طالبان؛ تحصیل دختران و زنان در واقع به سمت تبدیل شدن تحصیل زنان و دختران به قانون جهانشمول و دربرابر همه پیش می‌رود. تحصیل دختران و زنان و به تبع آن اشتغال آنان درحالی است که زنان و دختران حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. نیروی انسانی یکی از مولفه‌های قدرت و پیشرفت در جهان امروز است، عدم توجه جدی به این مساله مهم یعنی نادیده انگاری نیمی از جمعیت که در جوامع توسعه یافته و سایر جوامع رو به توسعه به نسبت بهتر از آن بهره‌مند می‌گردند برای کشور افغانستان به عنوان کشوری توسعه نیافته مساله مهمی است.

عدم مشروعیت طالبان و شناسایی رسمی ایشان از سوی کشورهای مختلف چالش جدی این کشور در مسیر ورود به دنیای بین‌المللی است. خواسته‌های بین‌المللی که با حسن اجرای آن یعنی شامل رفتاری صحیح و همراستا با قواعد و ارزش‌های بین‌المللی با کودکان و زنان راه برای شناسایی و ورود طالبان به جامعه بین‌الملل هموار می‌گردد. اما این تصمیم بر منع تحصیل دختران و زنان، ورود آنان به جامعه جهانی و شناسایی طالبان را غیرممکن تر از قبل نمود و باعث انزوای بیشتر و عدم شناسایی و مشروعیت طالبان و عدم اثبات طالبان به جهان و بلکه شناخت بهتر از ایشان گردید.

موقعیت راهبردی و خاص افغانستان به عنوان کانون بحران در منطقه و محل نزاع قدرت‌های بزرگ در منطقه بسیار مهم قاره انرژی‌های تجدیدناپذیر یعنی خاورمیانه و نگرانی کشورهای جهان از افزایش افراط‌گرایی و تروریسم و تندروی‌ها خیلی از کشورهای جهان را نگران می‌نماید و بی‌شک زنان به عنوان تربیت کنندگان نسل در این کشور در صورتی می‌توانند این مهم را به تعادل برسانند که بتوانند در مدارس و دانشگاه‌ها تحصیل نمایند تا نسلی بهتر و متعادل و آگاه‌تر را تربیت نمایند و با حضور خود در جامعه تحصیلی و کاری آینده این کشور و فضای جامعه را متعادل و تنظیم نمایند.

پرسش اصلی این است که حمایت از حقوق مسلم در تحصیل زنان و دختران آیا در کاهش افراط‌گرایی در خاورمیانه می‌تواند موثر باشد؟ در این مقاله وضعیت شناسایی طالبان و موقعیت خاص افغانستان تحلیل و به حق مسلم دختران و زنان در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و اهمیت زنان و تحصیل ایشان در توسعه، رشد و تربیت متعادل نسل آینده به لحاظ کنار گذاشتن افکار و دستورات غیرانسانی از سوی حاکمان (در حال حاضر طالبان) اشاره گردید. همچنین با توجه به تجربیات تلخ داعش و گروه‌های تندرو در خاورمیانه با این مفروض که این چالش‌ها می‌تواند جهان و منطقه را به سمت ثبات و آرامش بیشتر سوق بدهد مطالعات زیادی بر زنان انجام گردید.

از محدودیت‌های پژوهش، نامشروع بودن طالبان و نبود وجود قوانین موضوعه و اساسی در این کشور و عدم وجود آمار دقیق و درست از وضعیت حقوق زنان و آموزش است که محدودیتی جدی در این پژوهش محسوب می‌گردد. این مقاله با روش تحلیلی و تلفیق داده‌ها و تحلیل آن‌ها به این مهم خواهد رسید که حمایت از تحصیل زنان و دختران اقدامی حمایتی جدی و لازم برای کاهش افراط‌گرایی و تروریسم و افزایش توسعه در کشور توسعه نیافته افغانستان است که باید مورد توجه همه دولت‌ها و

سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد تا دیگر شاهد تکرار حوادث این چنینی منع تحصیل نیمی از جامعه در قرن ۲۱ در این کره خاکی نباشیم.

روش تحقیق

در این تحقیق که با مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها و توصیفی و مصاحبه با زنان افغان ساکن ایران و هند بدست آمده است و محدودیت‌های مختلف از جمله امکان حضور در صحنه را داشته است. با رویکرد توصیفی و تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام گردیده است.

(۱) خاورمیانه (قاره راهبردی انرژی) و افغانستان (کانون بحران)

کشور افغانستان با وجود چندین اقوام مختلف و اختلافات عدیده بین این اقوام که مشکل اساسی در افغانستان است جامعه‌ای است بسیار سنتی و توسعه نیافته و موقعیتی ژئوپلیتیک و استراتژیک دارد. این کشور محل تاخت و تاز قدرت‌های بزرگ بوده و مورد تجاوز و اشغال آن‌ها و این مسائل در کنار جنگ‌های داخلی و عدم اتحاد اقوام و نبود وجود نگاه ملی و پایبندی به محل‌گرایی و به روز و عرفی نکردن قوانین ناشی از اصول و ارزش‌های اسلام باعث عدم توسعه این کشور شده است. بنابراین افغانستان تبدیل به محل افکار تند و رادیکال و افراط‌گرایانه شده است به طوری که پیش شرط شناسایی طالبان این است که مرجع و پناه تروریست‌ها نباشد. این موضوع و نگرانی، افغانستان را تبدیل به کانون بالقوه بحران در منطقه کرده است. منطقه‌ای که سرشار از منابع نفت و گاز و ثروت و انرژی است؛ منطقه‌ای که شبیه قاره‌ای منحصر از انرژی می‌ماند، قاره‌ای از نفت و گاز و منابع انرژی و عواملی که باعث حضور و نزاع و کشمکش بسیاری از قدرت‌های جهان از جمله چین شده است.

این منطقه راهبردی توسط اروپاییان به خاورمیانه نامگذاری گردیده است خاور به معنی شرق و میانی وقتی معنی می‌یابد که خاور نزدیک و دور نیز وجود داشته باشد. افغانستان در قاره استراتژیک انرژی قرار گرفته است و منظور از قاره کشورهای تشکیل دهنده خاورمیانه هستند که این قاره فرضی خاورمیانه تعریف ما را شکل می‌دهند، کشورهایی با موقعیت‌های استراتژیک و خاص، کشورهای شکل‌دهنده ادیان بزرگ، کشورهای مهد تمدن بشری.

از علت‌های اهمیت این کانون بحران یکی بعد امنیتی آن (پناهگاه گروه‌های تروریستی) و نگرانی از اتحاد داعش و طالبان در آینده و دیگری اهمیت ژئوپلیتیکی و اهمیت لجستیکی آن است و اینکه افغانستان چهار راه عبور قدرت‌های بزرگ جهان است و شاخص اقتصادی و منابع معدنی بالای آن حدود ۳ تریلیون دلار پیش بینی شده است و ارزش منابع راهبردی مس و لیتیوم آن در تولید و استقلال انرژی نمود می‌یابد و تقاضای روز افزون برای آن وجود دارد.

(۲) طالبان و مشروعیت آنان

طالبان جنبشی اسلامی، افراطی، مسلح و غالبا از قوم پشتون است که اکنون به جریان مسلط سیاسی و نظامی بنیادگرای اسلامی تبدیل شده است. طالبان حتی در زمان دوم که با زور توانست به قدرت برسد نیز عدم انعطاف در مقابل فشارهای اجتماعی و جهانی داشته و اراده آمادگی جهت متعهد شدن به ارزش‌های عام جهانی نداشته است. این گروه بی‌اعتنایی به شورای امنیت و قطعنامه‌های آن، حقوق بشر و تمامی منتقدان و سازمان‌های دولتی را در کارنامه و رویه دولتی خود دارد.

طالبان، شکل نظام سیاسی خود را جدا از نظام‌ها و حکومت‌های امروز و آن را امارت اسلامی می‌داند و الگوهای مخصوص خود را دارد. طالبان با رفتار و عملکردش که درخلاف تعهدات بین‌المللی است بر بی‌اعتباری جهانی و عدم اعتماد بر خود تداوم بخشیده است. یکی از این رفتارها منع تحصیل دختران و زنان در عصر حاضر است.

مشروعیت یعنی بر طبق خواست اکثریت مردم و براساس اصول و ارزش‌های انسانی عمل کردن است. اما باید بررسی کنیم که حقوق بین‌الملل در روندهای رسیدن به قدرت با این شکل و سیاق بدون انتخابات و در روندی خلاف قواعد و یا مانند کسب قدرت توسط طالبان در سری قبل ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ و از سال ۲۰۲۲ تاکنون با جنگ‌های داخلی چه موضعی دارد؟ آیا نظام بین‌الملل حکومت‌هایی که با روش غیرمعمول (انقلاب، جنگ داخلی و کودتای نظامی) به قدرت می‌رسند را شناسایی می‌کند یا خیر؟ و یا فقط قدرت به دست آمده از طرق معمول را شناسایی می‌نماید؟ در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد خطاب به دولت‌ها آمده است از توسل به زور علیه یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها حذر کنند. همچنین باید از دکترین (آموزه) شناسایی استیمسون یاد کنیم که از دولت‌ها می‌خواهد از شناسایی موجودیتی که با زور و تجاوز ایجاد شده است خودداری کنند، موضوعی که دست کم مورد استقبال اعلامی دولت‌ها قرار گرفت. در مورد انقلاب و جنگ داخلی نیز به لزوم منع اعمال نقض‌های حقوق بشر اشاره شده است. در عرف بین‌الملل و تاریخ جهان، انقلاب‌های مردمی و حتی پیروزی شورشیان در چاد، اتیوپی و گینه بیسائو و کاستاریکا و یا غلبه شورشیان بر معمر قذافی همگی به لحاظ تایید قدرت موثر مورد شناسایی قرار گرفتند. البته جامعه جهانی به طور معمول در کودتای نظامی واکنش‌هایی داشته است به مانند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در لزوم برگشت حکومت قبل از کودتای نظامی در کشور هائیتی. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود چرا از شناسایی رسمی طالبان خودداری می‌شود؟ حقوق بین‌الملل به ما می‌گوید در رای دعوای نیکاراگوئه و آمریکا در سال ۱۹۸۰ و سرنگونی حکومت‌ها به لحاظ مسائل ایدئولوژیک و عدم دموکراتیک بودن نسخه، سقوط و سرنگونی آنها نخواهد بود و دولت‌ها حق دارند نظام‌های خاص خود را طراحی و اجرا کنند البته نباید به نقض گسترده و نظامند حقوق بشر بپردازند. قطعنامه ۲۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد دو شرط برای شناسایی بعد کسب قدرت برای طالبان گذاشت؛ اول مشارکت همه اقوام، برخورد شایسته با کودکان و زنان. دوم؛ مبارزه با تروریسم و این که افغانستان محل امن و پناهگاه تروریست‌ها نباشد.

برخلاف خواست جهانی شاهد هستیم نقض حقوق دختران و زنان با منع تحصیل آنان را طالبان انجام داده است، یعنی شرط نخست که مقدمه افزایش تروریسم در منطقه نیز خواهد شد را نقض نموده است. کشورهای جهان حکومت طالبان را منزوی کردند زیرا منع تحصیل زنان و دختران به عنوان نقض قواعد اصلی و تعهد آور در برابر همه محسوب می‌شود. در واقع اگر کشوری این نقض فاحش و غیرانسانی را قانونی بداند و طالبان را شناسایی می‌کرد، به این نقض از ارزش‌های عام و جهانی کمک نموده و با شناسایی طالبان آن نقض را استمرار می‌بخشد و می‌توان برای آن نیز مسوولیت درنظر داشت. به همین جهت پیش‌بینی می‌شود روند افزایش انزوای طالبان و عدم شناسایی و ورود به جامعه جهانی با این رفتار آنان تداوم یابد.

تصمیم بر منع تحصیل دختران و زنان براساس فقه حنفی که آن را مغایر ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای مذهبی خود می‌داند و باوری خاص که به نوامیس (محارم یک مرد مسلمان برابر شرع اسلام) دارد.

اسلام اعتقاد به تفاوت ساختاری میان زن و مرد دارد. الزام به حجاب (احزاب ایه ۵۹) و مراقبت در کلام زنان (احزاب ۳۲) و عدم نگاه زن به نامحرم (نور ۳۱) و جلوگیری از نگاه نامشروع (نور، ۳۰) نیز در قرآن، کتاب دین اسلام که آن را تحریف ناپذیر دانسته ذکر شده است. به نظر می‌رسد تکیه بر این آیات قرآن باعث این نگاه خاص در طالبان است و البته برابر سوره بقره آیه ۲۳۳ آمده است: خوراک و پوشاک آن‌ها به طور شایسته بر عهده پدر فرزند است، هیچ کس جز به قدر توانش مکلف نمی‌شود. پرداختن هزینه‌های زندگی زن و فرزند، تنها در حد توان بر عهده پدر است و نفقه نام دارد. به همین جهت این دیدگاه که تنها مرد باید کار نماید و هزینه‌ها را تقبل نماید نیز باعث رویکرد طالبان در منع تحصیل زنان و به تبع آن منع اشتغال و محدودیت ایشان از سوی طالبان گردیده است.

در بسیاری مذاهب باکرگی و حفظ پرده بکارت نشانه عفت و پرهیز جنسی است برخلاف نظر بهداشت جهانی که حتی آزمایش باکرگی را تبعیض آمیز و خشونت علیه زنان می‌پندارد. در جامعه مسلمانان نیز به ویژه طالبان این موضوع و حفظ پرده بکارت حایز اهمیت است. حفظ باکرگی در کنار مساله حجاب اجباری در افغانستان برابر تعالیم مذهبی و تفاسیر خاص طالبان و فرهنگ منطقه برقع می‌باشد و این دو موضوع حجاب اجباری و حفظ باکرگی در کنار سن بلوغ و باروری و ازدواج شرعی که متفاوت از سن قانونی بین‌المللی ۱۸ سال در اکثر کشورهای جهان است موجب فشار روانی و جسمی دوجندان بر دختران و زنان می‌شود. متغیر سن ازدواج در افغانستان براساس سن شرعی بلوغ دختران که هم اکنون لحاظ می‌گردد موجب می‌شود یک دختر در زمان و دوران تحصیل ابتدایی شوهر نماید. درحالی که در کشورهای در حال گذار در شرق اروپا، آسیای مرکزی و آسیای غربی، متوسط سن ازدواج نخست، اندکی تغییر یافته است و زنان به طور کلی بین ۲۲ تا ۲۳ سال و مردان در سنین ۲۴ تا ۲۷ سال ازدواج می‌کنند (محمدی، ۷۷، ۸۳). بنابراین سه موضوع ورود زود هنگام دختران به اندرونی مردان جهت پذیرش مسوولیت‌های منزل و به خصوص باروری و تولید مثل و حفاظت از باکرگی با حجاب اجباری و سایر قوانین خاص از جمله همراهی محارم در تردهای زنان به بیرون منزل توسط طالبان همگی نشان از چرایی‌های سطحی برای منع تحصیل زنان و دختران را در آن جامعه از سوی طالبان با نگاه به قوانین اسلامی خود روایت می‌نماید.

۴) حقوق زنان و دختران در حقوق بین الملل

تصمیم بر منع تحصیل دختران و زنان تصمیمی در جهت افزایش محدودیت‌ها بر دختران و زنان و چالشی جدی برای حقوق زنان است که باعث کاهش سطح مشارکت در تصمیم سازی اجتماعی و سیاست و آینده کشور خواهد بود.

به نقش مهم زنان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره شده است. زنان همیشه در کنار مردان در شکوفایی و تمدن سازی جوامع موثر بودند اما همیشه مورد نادیده انگاری و تبعیض و جفا در طول تاریخ قرار گرفته‌اند. اما در کشورهای مختلف وضعیت حقوق زنان متفاوت است. در اسناد بین المللی حمایت ویژه در راستای تحقق حقوق آنان در نظر گرفته شده است.

سند معتبر بین‌المللی جهان یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر سندی محکم در راستای حمایت از حقوق بشر است. در مورد تحصیل در آن ذکر شده است: هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش دست کم تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد و آموزش ابتدایی اجباری است. مشاهده می‌شود تحصیل و یادگیری برای همه و هرکس مساوی است و تبعیضی وجود ندارد. در این قانون مردان یا زنان لحاظ نشده بلکه هر دو یکی فرض شده است و حتی به اجبار باید تحصیل کنند و در سند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در رابطه با اهمیت حقوق آموزش و تحصیل دولت‌های عضو این سند را مکلف به تضمین حقوق شهروندان کرده است و به تبع تحصیل شرایط کار بهتر و فرصت‌های بهتر

برای زنان حاصل می‌شود که حق کار هم در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است که با دنیای تخصصی مشاغل در قرن ۲۱ حق کار موید و تاکید بر حق تحصیل و آموزش است. چراکه همه مشاغل و حرفه‌ها به آموزش نیازمند است و در مواد ۳ و ۴ به عدم تبعیض در مقابل کار و دریافت مزد منصفانه تاکید شده است و در ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دولت‌ها مکلف شده‌اند به فراهم ساختن در راستای حق کار برابر همه و همچنین در اعلامیه قاهره به اهمیت حق کار تصریح شده ولی موانع تحصیل و کار دختران و زنان عوامل زیادی دارد از جمله سیاستهای حکومتی و حاکم بودن سنت مرد سالارانه و پدرسالارانه و فهم و تفسیر خاص و متفاوت از آموزه‌های اسلامی از عوامل جدی هستند.

حقوق زنان و دختران در افغانستان تفاوت بسیار با قواعد جامعه بین‌المللی دارد که با بررسی حق تحصیل و به تبع آن حق کار به این مهم می‌رسیم. با توجه به جهانی شدن و افزایش سطح ارتباطات انتظار می‌رود قوانین کشورها به سمت حقوق بشر و برتری حقوق بشر و حقوق و قواعد داخلی حرکت نمایند.

(۵) توسعه

به عقیده طالبان زنان شایسته کار در بیرون خانه نیستند. ولی جهان امروز بی‌توجه به این نگاه به پیش می‌رود و کشورهای توسعه یافته شده روز به روز با توجه و اهمیت به زنان توسعه یافته‌تر می‌شوند و فاصله آن‌ها با کشورهای توسعه نیافته چون افغانستان افزایش می‌یابد ولیکن طالبان با حذف نظام مند زنان، توسعه به مفهوم امروز را به فراموشی سپرده است چرا که رفتار درست با زنان جامعه به راستی می‌تواند نشانه توسعه باشد چرا که زنان نسل آینده را تربیت می‌کنند و مردان در دامن زنان بزرگ می‌شوند و زنان تاثیر مستقیم بر افکار مردان و نسل فردای هر کشوری دارند و برابری مرد و زن در قوانین هر کشور در مورد زن و مرد نمادی دیگر از حرکت به سوی توسعه و از ملزومات و مقدمات توسعه است. اینکه نگاه جنسیتی را کنار بگذاریم و به جای دیدگاه جنس مخالف به سمت دیدگاه جنس متفاوت حرکت کنیم و تبعیض‌های جنسیتی را پایان بخشیم. اینکه مردان بتوانند تحصیل کنند و زنان نتوانند، قطعاً مانعی جدی بر توسعه این کشور است.

«آموزش زنان چه از سوی برنامه‌سازان و چه از سوی هواداران به عنوان پیش شرط بهبود موقعیت زنان فهمیده می‌شود. در سازمان ملل کمیسیون زنان مکرراً دولت‌ها را به افزایش فرصت‌های تحصیل رسمی برای دختران و زنان تشویق می‌کند. (نوروزی ورجایی، ۳۶، ۹۵) لذا دسترسی به خدمات و فرصت‌ها و منابع و فرصت‌های تحصیل و آموزش پیش شرطی است برای توسعه و رفاه و ثروت و حذف رسوم نادرست و کاهش تعصبات در دراز مدت با تربیت نسل آینده به دست زنان آگاه.

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه یا مشارکت (دخالت همه جانبه مردم) با همیاری و همکاری و همبستگی و ایفای نقش‌های اجتماعی حاصل می‌شود که نمی‌توان زنان را از مردم حذف کرد و با کاهش ۵۰ درصدی مشارکت عمومی کشوری توسعه یافته را متصور شد و کشوری با حرکت به سوی توسعه اقتصادی که ابتدا از توسعه مدنی و سیاسی مسلماً گذر می‌کند.

«عمده‌ترین نظریاتی که در خصوص بهبود وضعیت زنان مطرح شده است و بر مبنای آن نظریات، طرح‌هایی اجرا گردیده، نظریات مربوط به توسعه زنان است. (پاپی نژاد و محبی، ۳۹، ۸۹) اما با کدام دیدگاه زن در توسعه حضور یابد؟ زنان از جامعه جدا باشند ولی با حقوق برابر و به نقش سنتی ایشان توجه شود یا برابر و متفاوت باشند و نقش در اجتماع داشته باشند؟ و با رویکرد برابری صرف باید پیش رفت؟ یا دیدگاه زن و توسعه که به زنان فرصت‌های همتای مردان می‌دهد نه جدای مردان و نه با تاکید بر جنسیت ولی دیدگاه ما را به توانمندسازی زنان می‌رساند و رشد آگاهی‌ها و توسعه ظرفیت‌ها و تقویت سازماندهی اقشار اجتماعی را در پی خواهد داشت و این روند هنجارها و ارزش‌هایی جدید می‌سازد و خلق می‌کند و حذف نابرابری جنسی و تربیت نسلی روشن و آگاه و غلبه بر موانع پیشرفت و افزایش قدرت زنان را خواهد داشت چرا که در دیدگاه زنان و توسعه زنان با توزیع مجدد قدرت در داخل خانه و اجتماع و استفاده از فرصت‌ها توانا سازی می‌شوند که تحصیل شروع این مسیر بزرگ و

کسب جایگاه‌های موثر و مهم است تا زنان به رفاه و آگاهی و مشارکت در همه زمینه‌ها و افزایش دسترسی به فرصت‌ها و امکانات و کنترل و توازن قدرت بین زن و مرد دست یابند.

افزایش توسعه و نقش موثر زنان در توسعه از آگاهی و تحصیل قطعاً شروع می‌شود. منع تحصیل زنان و دختران یعنی فراموش کردن توسعه که مقدمه رفاه و پیشرفت و دوری فقر است و قطعاً منع تحصیل محیط افغانستان را مساعدتر برای گسترش افکار تند و افراطی خواهد نمود چرا که مردان به دست زنان تربیت می‌شوند.

۶) تروریسم و افراط گرایی

«تروریسم و گرایش به خشونت و افراطی‌گری از جمله پدیده‌هایی است که بیشترین تهدید را علیه صلح و امنیت بین‌المللی در سال‌های اخیر رقم زده است. تصویب قطعنامه شماره A/68/L.31 در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ با عنوان "جهان علیه خشونت و افراطی‌گری" در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران که با رای قاطع نمایندگان ۱۹۰ کشور جهان و بدون مخالفت به تصویب رسید نشان از آن دارد که جامعه جهانی تا چه میزان از ناحیه این پدیده احساس خطر می‌کند. از بین مناطق مختلف جهان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیشتر از سایر مناطق با پدیده تروریسم و افراطی‌گری دست و پنجه نرم می‌کند. ظهور طالبان، القاعده، القاعده مغرب اسلامی (آکیم)، داعش، انصار الشریعه و گروه‌های تروریستی و افراطی در این منطقه، خود شاهد این مدعاست. دلایل بروز تروریسم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جستجو کرد که پرداختن به همه آن‌ها پژوهش مفصلی را طلب می‌کند» (حیدری، ۴۹) حال افغانستان مرجع و پناه گروه‌های تروریستی بوده است ولی طالبان در مذاکرات مختلف خود وعده داده که به عنوان این دژ عمل نکند و این شرط شناسایی و پذیرش طالبان در کنار حسن رفتار با کودکان و زنان و تغییر رویه‌های قبلی نسبت به ایشان است اما زنان و دختران به عنوان تربیت کنندگان نسل فردا در جنبه فرهنگی و ابعاد فرهنگی پرورش تروریست موثرند، آنها هستند که سنت‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری کهن و باورها را برای فرزندان و کودکان خود روایت و تثبیت می‌کنند و آموزش می‌دهند. اگر این زنان و دختران از تحصیل بی‌بهره باشند و چشمانشان بسته باشد جهان را به همان شکل که پدران و مادرانشان یا گروه‌های حاکم روایت کرده‌اند می‌بینند و لذا ما شاهد باز تعریف هویت تربیت‌شدگان در جهت گرایش به رفتارهای تند و افراط گرایانه در آینده خواهیم بود. در واقع ما با اشکال مختلف فرهنگی روبرو هستیم که برای سلطه اجتماعی بالقوه آماده بوده و با مساعد شدن شرایط بازتولید به صورت رفتارهای سلطه جویانه می‌شود.

نمی‌توان آموزه‌های کودکی را در این بازتعریف و تولید چرخه افراط گرایی نادیده گرفت. دورانی که آموزش‌های آن توسط خانواده و مادر و مدرسه داده می‌شود. حذف مدرسه و مادر باسواد شروع چرخه افراط گرایی است که با منع تحصیل دختران و زنان این تولید شروع خواهد شد. آموزه‌های فرهنگی - اجتماعی نادرست و تعصبات مذهبی و دوری از علم، بی عدالتی‌ها در توزیع ثروت و امکانات در جهان در کنار جهانی شدن و وجود اینترنت و سرخوردگی‌های اجتماعی، عدم مشروعیت دولت‌ها نزد مردم، فقر فرهنگی و اقتصادی، همگی زمینه ساز بروز رفتارهای خشن مخصوصاً در افغانستان می‌تواند بشود.

۷) زنان و تعدیل افراط گرایی و تروریسم

در کشور افغانستان با وجود اختلافات قومی و دولت‌های فاسد و نامشروع و سابقه اشغال توسط قدرت‌های بزرگ و وجود بی‌عدالتی اجتماعی و دولت ناکارآمد و ضعیف و وجود دولت‌های توتالیتر و حمایت‌های خارجی از دولت دست نشانده و آموزش‌های ایدئولوژیک و فاصله طبقاتی بالا و افزایش فقر و عدم توسعه یافتگی، رشد فرقه گرایی و گرایش‌های قومی همه

منطقه افغانستان را مساعد افراط گرایی و پرورش و پناه و مرجع قرار دادن تروریسم به صورت بالقوه نموده است. «جهانی شدن سبب ایجاد بحران هویت و سرخوردگی در میان برخی و افراد و گروه‌ها و درنهایت حرکت به سمت تروریسم گشته است». (گوهری مقدم، ۱۳۹۰، ۲۰۴).

در این جهان وضعیت تحقق حقوق زنان بسیار متفاوت است. زنان افغانستان گویی در قاره و سیاره‌ای دیگر زندگی می‌کنند که از بسیاری حقوق زنان اروپایی محروم هستند.

حال که زنان و دختران در افغانستان از تحصیل محروم شدند. آموزش و تحصیلی که جهان را امیدوار می‌کرد در فردا آینده‌ای متعادل‌تر را در افغانستان دیده شود و یکی از متغیرهای بازتولید خشونت و افراط گرایی محقق شود و آن توسعه زنان و زنان برای توسعه بود که آموزش ببینند و مشاغل را کسب نمایند و جامعه را متعادل‌تر و تنظیم کنند. در تربیت نسل فردا و مردان آینده علمی‌تر و آگاه‌تر گام بردارند تا مانع ترویج تعصبات و آموزه‌های غلط باشند. اما اکنون با حذف زنان و دختران از فرایند آموزش، در واقع آن‌ها از مشارکت در جامعه حذف شدند و بنابراین افق‌هایی که برای آینده‌ای متعادل‌تر پیش بینی شده بود حذف شده و همچنین منع تحصیل نقض پیش شرط با طالبان را محقق کرد. به همین جهت طالبان منزوی‌تر می‌شود و وارد جامعه جهانی به لحاظ عدم تحقق پیش شرط نخواهد شد. در واقع در کوتاه مدت شرط اول نقض شده یعنی عدم حمایت از کودکان و زنان و در بلند مدت به گسترش افراط گرایی و تروریسم. تولید خشونت به منع تحصیل کمک خواهد کرد و باعث نقض شرط دو یعنی حمایت از تروریسم در واقع با منع تحصیل زنان و دختران پیش بینی می‌شود افراط گرایی و خشونت و تروریسم افزون خواهد شد. حذف زنان از صحنه اجتماعی و حذف و مشارکت ایشان یعنی عدم تعادل در جامعه چون جامعه از زنان و مردان شکل گرفته است و این ممانعت بر توسعه با منع تحصیل در واقع بستر ساز بیشتر افراط گرایی است.

۸) راهکارهای حمایتی حق تحصیل دختران و زنان

مشارکت اجتماعی زنان، راهکارهای حمایتی زنان در جوامع سنتی مثل افغانستان از جمله تحصیل و به تبع آن مشارکت در سطوح مختلف مشاغل و کار با موانع جدی فرهنگی و اجتماعی رو به روست که به آن‌ها در قسمت‌های قبل تا حدودی پرداخته شد و حقوق زنان در قواعد بین‌المللی نیز تبیین شد. اما مهم است که با عنایت به وضعیت خاص افغانستان چه راهکارهای حمایتی برای حمایت از حقوق زنان مخصوصاً در حق تحصیل و کار لازم است و این موضوع باید پیش بینی گردد تا زنان به عنوان قشر آسیب پذیر مورد حمایت قرار گیرند و افق‌هایی برای آینده آنان متصور شود. در درواقع راهکارهای حمایتی چه مواردی را باید تحت الشعاع قرار دهند؛

۱) ایجاد افق در افغانستان نیازمند بلوغ سیاسی و فکری طالبان است و نیازمند افزایش فشار جامعه بین‌المللی برای عمل به شروط دوگانه حمایت از حقوق زنان و کودکان و عدم حمایت از تروریسم توسط طالبان و عدم شناسایی و عدم مشروعیت طالبان تا زمانی که تغییر رفتار ندهند.

۲) عدم کمک و حمایت‌های مالی و سیاسی و انزوا که قطعاً تا تغییر رفتار جدی ادامه خواهد داشت

۳) فعال شدن شورای امنیت سازمان ملل

۴) حمایت‌های خارجی توسعه محور

۵) عدم رسمیت بخشی به ایشان با وجود نیاز طالبان به این تایید و مشروعیت

۶) افزایش نفوذ دیپلماتیک کشورها به خصوص کشورهای همسایه

۷) توصیه کشورهای اسلامی و شخصیت‌های جهان اسلام به طالبان جهت تغییر رفتار

۸) افزایش سازوکار نظارتی سازمان ملل

(۹) افزایش تحریم‌های هوشمند بر مقام‌های دولتی و تاثیرگذار .

(۱۰) مداخله مداوم دیوان کیفری بین المللی

(۱۱) حضور گزارشگران و خبرنگاران ویژه سازمان ملل

(۱۲) مبارزه جدی با خشونت برنامه ریزی شده علیه زنان در ابعاد بین‌المللی و تبعیض نظام یافته با تمرکز بر خاورمیانه

(۱۳) افزایش فعالیت‌های شبکه‌های فارسی زبان و همسایه در ماهواره با محوریت و آگاه سازی جامعه افغان، افزایش آموزش‌های برابری و شایسته سالاری به جای مردم سالاری در مفاد آموزش مدارس و محیط‌های مجازی و گروه‌های اجتماعی و ایجاد کارگروه مخصوص افغانستان جهت این مهم توسط جامعه هدف کشورهای مستعد به آسیب از تروریست (اروپا و کشورهای غربی و آمریکا)

(۱۴) مبارزه بین‌المللی با خشونت جنسی و جنسیتی و کیفری و مصونیت‌های کیفری و تبعیض کیفری

(۱۵) توجه جدی جهان به توسعه پایدار، ساخت زیرساخت‌ها برای رشد اقتصادی افغانستان

(۱۶) مبارزه جدی با تروریسم و ریشه‌های آن؛ مبارزه جدی با تروریسم و جلوگیری از حمله به مراکز تحصیلی دختران و زنان توسط افراط گراها و حفظ جان معلمان با تمهیدات و تدابیر و نفوذ و مبارزه جدی با حملات اسید پاشی

(۱۷) آگاه سازی و اطلاع رسانی به زنان و دختران از حقوق خود.

(۱۸) آگاه سازی و اطلاع رسانی به مردان و پسران از عدم توسعه و عدم مشارکت زنان و افق‌های تیره آینده

(۱۹) ایجاد برنامه جهانی جدی جهت جلوگیری از آسیب‌های وصف ناپذیر پنهان از عدم توجه به حقوق زنان نامرئی (زنان افغانستان که سیستم می‌خواهند نامرئی باشد).

(۲۰) افزایش فعالیت‌های مجازی در بستر اینترنت شامل کلاس‌های آموزشی و دانشگاهی آنلاین در سراسر جهان و افزایش اعتماد به نفس زنان و استقلال دهی به آن‌ها

(۲۱) افزایش شفاف سازی در بستر اینترنت در مورد حقوق بشر و حرکت به سوی تغییر افکار مردان و جوانان این کشور برای تغییر افکار غلط و تفاسیر اشتباه مثل کودک‌همسری، فروش دختران و زنان، نکوهش به خانه نشینی دختران و زنان، رفع تصرف سلطه پذیری و تحت قیمومیت صرف بودن مردان، تبیین فرهنگ پذیری‌های غلط اجتماعی، تغییر نگاه در کار کردن زنان، مبارزه با رسوم غلط فرهنگی شامل ازدواج اجباری و تولید مثل بیشتر و مبادله دختران برای حل اختلافات قومی و خانوادگی، تغییر نگرش‌های عمومی فرهنگی مردسالارانه و پدر سالارانه

(۲۲) افزایش سطح آموزش مدرن در بستر مجازی و اینترنت توسط سازمان‌ها و دانشگاه‌ها به زنان و دختران تا مانع یادگیری و تقلید زنان از طریق انتقال فرهنگ سینه به سینه و نادرست آموزه‌های اشتباه و خرافی و تفاسیر غلط به هم باشند.

(۲۳) به کارگیری معلمان زن در فضای مجازی به جای معلمان مرد تا خانواده‌های مذهبی افغانستان انعطاف نشان دهند و در نتیجه فرزندان‌شان وارد دانشگاه‌های مجازی و بورسیه در بستر اینترنت شوند چون خیلی خانواده‌ها به خاطر اساتید مرد اجازه درس خواندن به دختران نداده و نمی‌دهند.

(۲۴) پرداخت هزینه‌های کلاس‌های مدرسه و دانشگاه مجازی توسط انجمن‌های خیریه جهان؛ به یاد داشته باشید اگر امروز این هزینه نشود فردا دامنه رفتارهای افراطی افزایش می‌یابد و در آن مسیر مبارزه با افراط‌گرایی این هزینه بایست پرداخته شود و هزینه جلوگیری از افزایش تروریست در دهه آینده خواهد بود.

۲۵) اقدامات آموزشی آنلاین برای زنان و دختران داخل و خارج افغانستان بایست به طور جدی پیگیری شود چرا که دختران و زنان دهه آینده افغانستان به حمایت پسران امروز که مردان فردا هستند احتیاج دارند.

۲۶) افزایش تمرکز امورات فوق بر منطقه افراط گرای جنوب افغانستان که بیشتر پشتون‌های صاحب قدرت در کشور متعلق به آن منطقه هستند و بهتر است بر این نقاط تمرکز توسعه ای بیشتری صورت گیرد .

۲۷) در صورت تغییر در رفتار و عملکرد طالبان افزایش اقتدار قدرت دولت مرکزی و قوای سه گانه قانون گذار و اجرا و ضامن اجرا گام موثر در پاسداری قانون است و گر نه بایست تدابیری جهت اصلاحات و تغییرات رخ دهد.

۲۸) عدم واگذاری شکایات زنان افغان به حکام محلی و عدم صدور آرای مردسالارانه ایشان و یا قانع کردن به پس گرفتن شکایات زنان از مردان.

۲۹) تربیت نیروی متخصص زن به صورت اینترنتی برای آینده افغانستان شامل معلمان و پزشکان زن.

۳۰) افزایش کمک‌های سازمان بهداشت جهانی و عوامل داوطلب بین‌المللی به زنان و دختران و هدایت ایشان به کنترل بارداری و جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته و یا تجربه‌های بارداری‌های پرخطر. منشا و ریشه این مشکلات، منع تحصیل هستند و در مواردی نبودن پزشک زن حتی باعث فوت مادر در زایمان شده است و چون دکتر غیرمحارم شرعی و مرد باید وارد عمل می‌شد و به روش سنتی باید زایمان انجام میشد زن یا مادر یا هردو آسیب دیده اند چرا که آن دکتر حق این درمان را نیافته و خانواده به او این اجازه را نداده است.

۳۱) ارائه بورسیه‌های تحصیلی به دختران و زنان و مردان و خانواده‌های انعطاف پذیر تا سطح علمی جامعه افغان بالا رود و در دهه آینده به تغییرات از داخل و اقدامات زیرزمینی جامعه تغییر نماید.

مهم‌ترین حمایت از دختران و زنان وادار کردن حکومت به تغییر رفتار و حقوق زنان است و در گام بعد در صورت عدم تغییر رفتار باید اقدامات موازی برای آینده صورت پذیرد تا اصلاحات یا تغییرات بنیادین رخ دهد. «البته تمدن غرب هنگامی به حقوق زنان اعتراف کرد و به ندای حق خواهی زنان پاسخ مثبت داد که نظام سرمایه داری به نیروی کار زنان نیازمند شد». (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۹۰، ۳۳) جامعه افغانستان به علت توسعه نیافتن این نیاز را به نیروی کار زنان را عمیقاً احساس نخواهد کرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در منطقه استراتژیک انرژی که آن را قاره انرژی، قاره ادیان و قاره تمدن بهتر است بنامیم تمام بحران‌ها در این منطقه ی شروع تمدن بشری به علت نگرش‌های مذهبی ادیان بزرگ و برخورد تمدن‌های کهن و جنگ انرژی بوده و هست و افغانستان چهارراه قدرت‌ها و محل توجه قدرت‌های بزرگ با موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک با منابع تخمین زده شده و حدود ۳ تریلیون دلار و منابع سرشار مس و لیتیوم که برای تولید و استقلال انرژی در آینده حیاتی است و محل و پناهگاه افراط گرایی و تروریسم در جهان و کانون بحران در منطقه انرژی است. حال با منع تحصیل دختران و زنان از سمت طالبان که خود را امارت اسلامی می‌نامد جهان و حتی جهان اسلام را در بهت و حیرت و تاسف فرو برد.

زنان آگاه می‌توانند فرزندان شایسته‌تر و متعادل تربیت کنند و خود تنظیم کننده جامعه باشند. زنان دانا به حقوق خود آشنا خواهند شد و در نتیجه به مطالبه‌گری از خانواده، جامعه و دولتمردان خواهند پرداخت. آنان با وجود برخورداری از اعتماد به نفس و آگاهی به قدرت ، خود در پی تغییر قوانین و قواعد ظالمانه، مردسالارانه و برتری ناروایی که به مردان داده شده، خواهند پرداخت و برای برداشتن سنت‌های غیرانسانی و بی‌رحمانه از جامعه قدم برمی‌دارند. موضوعی که دشمن کسانی است که از

آگاهی و دانش و مهم‌تر حق محوری زنان هراس دارند. زیرا با تکلیف محور بودن زنان و تسلیم و انقیاد آنان در برابر مردان و قوانین ضد زن، حاکمان متوسل به قداست قواعد غیر انسانی می‌توانند به ظلم و ستم به زنان و جامعه ادامه دهند.

اقدام براساس قوانین اسلام به صورت بنیادگرایانه و سلف و تفاسیر مردسالارانه باعث منع تحصیل دختران و زنان باوجود توصیه‌های سایر کشورها و دولتمردان گردید. در این دیدگاه که باعث نامرئی شدن و نادیده انگاری زنان اجتماع و عدم مشارکت آنها در سطوح مختلف می‌شود در واقع به گونه‌ای اقدامی حمایتی در جهت غیرت (حفظ آنچه مهم است) و ناموس (همسر و خواهر و مادر و دختر و محارم شرعی) از سوی طالبان قلمداد می‌شود.

تعابیر دوگانه متضاد از محافظت از زنان که حاصل دو دید متفاوت به موضوعات است را شاهد هستیم. این نگاه خاص باعث حذف برنامه ریزی شده زنان از توسعه و زنان برای رشد است. حال که در دیدگاه زنان و توسعه تحصیل زنان مقدمه توسعه است و توسعه جامعه بدون توسعه زنان مقدور نیست. زنان تربیت کنندگان مردان آینده هستند و آگاهی و چشم‌های باز آنها باعث تربیت نسلی متعادل و آگاه و دور از خرافه و مسائل و آموزش‌های غلط فرهنگی است و به عنوان یکی از عوامل کاهش دهنده افراط گرایی و تروریسم عمل می‌نماید. آموزش پیش شرط توسعه و باعث بهبود وضعیت زنان جامعه نیز هست و توسعه زنان وضعیت جامعه را قطعاً بهبود می‌بخشد و جامعه را به سمت رفاه و توسعه در همه زمینه‌ها و آینده بهتر سوق می‌دهد.

خشونت و افراط گرایی بیشترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در سال‌های اخیر بوده و هست. تصویب قطعنامه‌ها اراده مشترک جهان امروز بر مبارزه با تروریسم و افراط گرایی را متبلور می‌نماید. تحصیل و آموزش دختران و زنان می‌تواند تمامی ابعاد را تحت‌الشعاع قرار دهد و تعدیل کند. مردان فردا و پسران امروز به دست زنان تربیت می‌شوند در واقع منع تحصیل دختران و زنان می‌تواند به افزایش موج باز تولید خشونت و افراط گرایی و افزایش سطح تروریسم در آینده نقش داشته باشد. در واقع منع تحصیل دختران و زنان می‌تواند بر افزایش موج بازتولید و خشونت و افراط گرایی و افزایش سطح تروریسم در آینده کمک نماید. طالبان با رعایت دو پیش شرط رفتار صحیح با کودکان و زنان و رعایت حقوق ایشان و عدم حمایت از تروریست‌ها و در پناهگاه قرار ندادن افغانستان برای تروریست‌ها می‌توانست خود را از انزوا خارج نماید و مشروعیت یابد و مورد شناسایی جامعه بین‌الملل قرار گیرد. چیزی که به آن نیاز دارد که با منع تحصیل دختران و زنان شرط اول نقض شد و مقدمات افزایش سطح تولید و افراطی گرایی و خشونت و تروریسم در آینده با این منع تحصیل و تربیت نسل بعد به دست زنان توسعه نیافته و گام‌های واپسگرا به عقب و نه رو به جلو و کاهش سطح مشارکت زنان و حذف و نادیده انگاری نظام یافته شرط دو راهم منقضی نموده است.

در اسناد و قواعد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حقوق آموزش و حتی آموزش اجباری در مقطع ابتدایی اشاره شده و حتی دولت‌ها مکلف به تضمین حق آموزش شدند و همچنین به تبع آموزش حق کار برای زنان نیز همچنین در این اسناد تایید شده است. در ماده ۲۳ اعلامیه حق کار زنان آمده و در مواد ۳ و ۴ عدم تبعیض لحاظ شده و در ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی و اعلامیه قاهره هم به اهمیت کار برای زنان تصریح گردیده است که این قواعد و اسناد بین‌المللی در کنار موضع‌گیری‌های سخت جهان علیه این تصمیم طالبان در واقع تحصیل دختران و زنان را به سمت قاعده ای آمره پیش برد که نقض آن با این همه تاکیدات و موضع‌گیری‌ها دیگر ممکن نیست.

حال که طالبان زنان را شایسته کار بیرون منزل نمی‌داند و با منع تحصیل به حذف نظام یافته و نامرئی بودن ایشان می‌پردازد؛ این حذف نظاممند و منع تحصیل دختران و زنان به افزایش موج افراط گرایی و تروریسم قطعاً کمک خواهد کرد راهکارهای حمایتی زیر می‌تواند تعدیل کننده باشد. بنابراین نخست کشورهای اسلامی باید در قالب مشورت و فشار جهت جلوگیری از افزایش افراط گرایی و ثبات در منطقه این تصمیم را منتفی نمایند و اگر طالبان تغییر رفتار داد و پیش شرط‌ها را لحاظ کرد با شناسایی آن وارد جامعه بین‌الملل شده و اقتدار دولت مرکزی و به تبع آن اقتدار قوای وضع کننده قانون و اجراکننده قانون و ضامن قانون در سایه قانون اساسی هم راستا با قواعد بین‌المللی نزدیکترین راه و کم‌هزینه‌ترین راه با توجه به قدرت موثر در افغانستان خواهد بود. در صورت عدم اصلاحات و عدم تغییر رویه باید تمهیدات اساسی اندیشیده شود از جمله اقدامات شورای



امنیت سازمان ملل، افزایش فشارهای بین المللی، عدم رسمیت بخشیدن در عرضه امور خارجه، حمایت خارجی توسعه محور، توصیه کشورهای اسلامی و شخصیت های اسلامی، مداخله مداوم دیوان بین المللی کیفری، حضور گردشگران و خبرنگاران ویژه سازمان ملل، افزایش سازوکار نظارتی، عدم کمک و حمایت مالی، استفاده از گروه های مجازی در بستر اینترنت برای آگاه سازی از حقوق زنان و ترویج شایسته سالاری و ارایه بورسیه های علمی از سراسر جهان و موسسه های خیریه برای تحصیل مدارس و دانشگاه های آنلاین و صدور مدرک هم برای مردان و هم برای زنان و دختران برای بستر سازی برای تغییرات در آینده افغانستان؛ چرا که امروزه هزینه نشود فرداها این هزینه بایستی برای مبارزه با تروریسم و افراطی گری صرف شود و تربیت متخصص زن در مشاغل معلم و دکتر زنان چون خیلی خانواده ها اجازه تحصیل به دختران را به واسطه معلم مرد نمی دهند حتی در بستر اینترنت و برای ادامه این فرایند آموزش آنلاین به صورت خودگردان توسط خود افغان ها در محیط اینترنت به خودشان لازم است معلم زن تربیت شود و چه بسیار زنان به خاطر نبودن دکتر زن در زایمان و طول عمر خود آسیب دیده اند و همچنین آموزش و اقدامات بهداشتی در خصوص جلوگیری از افزایش بی رویه و خطر ساز جمعیت و کنترل بارداری و بارداری اجباری و در نهایت آگاه سازی برای مبارزه با تبعیض و خشونت و تبعیض جنسی و کیفری و مصونیت ها و آگاه سازی و آموزش دختران و زنان و حتی به مردان تا مردان هم از زنان حفاظت کنند با تاکید بر قسمت جنوب افغانستان که پشتون زبان هستند و حکومت طالبان بیشتر از ایشان است و در نهایت افزایش سازوکار نظارتی همگی گام هایی هستند در حفاظت از حقوق زنان و در راستای منع تحصیل دختران و زنان. اقداماتی که باعث جلوگیری از افزایش افراط گرایی و تروریسم در دراز مدت خواهد شد.

Scientific and legal confrontation with the prohibition of girls' education in Afghanistan in order to support the rights of Afghan women

writers;

.1 Ansarian, Mojtaba, Ph.D. in International Law, Scientific Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

.2 Reza Khodabandehlouei, PhD student of International Law, University of Pune, India (Modern Law College).

,

Abstract

The Taliban's decision to ban the education of girls and women in Afghanistan comes at a time when the world seeks to respect women and prevent their rights from being violated by others, including government officials, employers, men and groups opposing women's rights.

Women and girls should be supported in different ways, especially in the form of establishing laws and regulations and publishing them as a model for other societies. Respecting the human rights of women and girls and their participation in society as educators of the future generation, who are half of the world's human resources and one of the important axes of sustainable development, is necessary for a better future in less developed societies, especially in Afghanistan.

Undoubtedly, the lack of a serious and real plan for the complete and fundamental realization of women's rights in Afghanistan will increase extremism in this country and the Middle East region and export it to other parts of the world and suppress freedom of expression. In this research, the authors are looking for the question of what mechanisms can be used to support these rights, especially in the field of education of girls and women in Afghanistan.

The achievement of the article is that the fight against extremism and curbing terrorism is the most important and fundamental program in line with women's rights and especially their right to education. Confronting terrorism has two important and parallel dimensions. One step is to remove the terrorists from the war scene militarily, and the other step that should be done at the same time is to pay serious attention to the educational and cultural infrastructure by creating schools, cultural centers, and economic and social transformation and environmental protection in order to join Close to extremism and violence.

Keywords: human rights, right to education, terrorism, extremism, Afghanistan

منابع

کتاب

(۱) قران کریم

(۲) پاپی نژاد، ش. محبی، ف (۱۳۸۹) "شاخص های سنجش وضعیت زنان و خانواده" چاپ زیتون، ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی، اجتماعی زنان.

(۳) زیبایی نژاد، م. سبحانی، م (۱۳۹۰) "درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب" چاپ ۱۵، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز نشر هاجر

(۴) محمدی، ز (۱۳۸۳) "بررسی آسیبهای اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰" ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی- اجتماعی زنان.

مقالات

(۱) حیدری، ا. "فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی گری در خاورمیانه و شمال آفریقا (با تاکید بر فعالیت های داعش)" فصلنامه سیاست، سال اول، ش ۴، زمستان (۱۳۹۳).

(۲) گوهری، ا. "جهانی شدن و تروریسم جدید: ارایه مدلی مفهومی" منبع دانش سیاسی، بهار و تابستان، ش ۱ (۱۳۹۰)

(۳) نوروزی، م. رجایی، ف "بررسی تطبیقی جایگاه عدالت در حقوق زنان در ایران و افغانستان و نقش آنان در مشارکت و توسعه" مجله پژوهش در فقه و حقوق، ش ۲ زمستان، (۱۳۹۵)